

افول آمریکا

فرار از افول با استراتژی موازنه از راه دور و تعادل دور از ساحل

تکرار بحران و نابسامانی‌ها در آمریکا

پاسخ دولت ترامپ را می‌توان به‌عنوان «دیگر خبری از آقا خوبه نیست»، توصیف کرد؛ این دیدگاه بر این باور است، در حالی که آمریکا مشغول پیشبرد نظم بین‌المللی و محافظت از منافع مشترک جهانی بوده، دوستان و دشمنان این کشور با تجاوز به بازارهای آمریکا و سوار شدن بر امنیتی که آمریکا، آن را تضمین کرده است، نفع ناعادلانه‌ای از این کشور برده‌اند. همین دیدگاه بر اساس این استدلال، بیان می‌کند که زمان آن رسیده تا دوباره برای بزرگ‌ترین تعهدات آمریکا، مواردی که هم سیستم تجارت جهانی و هم معماری امنیت غربی را تضمین می‌کنند، مذاکره کرد و در صورت عدم دستیابی به معاملات بهتر، از این تعهدات، عقب‌نشینی کرد. پاسخ از سمت چپ، کمتر به صورت خصمانه و یک‌جانبه است اما این گروه با مخالفت رئیس‌جمهور ترامپ برای حل و فصل موانع آزادی و امنیت خارجی از طریق معامله همراهی

بعد از دو دهه پس رفت بی‌وقفه در خارج از کشور، اکنون وقت آن است که پرسیم، آیا کاهش نفوذ آمریکا، غیرقابل بازگشت است؟ از اواخر قرن گذشته، حتی موفقیت‌های ظاهری آمریکا نیز دچار پوسیدگی شده است؛ افغانستان و عراق، به یک باتلاق تبدیل شدند. القاعده نیز مانند یک غده سرطانی، در اشکالی جدید، در سراسر جهان اسلام منتشر شد. رفتار روسیه و چین، خصمانه‌تر شده است. بهار عربی به سرعت به زمستان رسید. دموکراسی در همه جا با آشوب‌ها و تنش‌های جدیدی روبه‌رو شده است. توافق نامه اقلیمی پاریس، توافق هسته‌ای ایران و مشارکت آن سوی اقیانوس آرام، منعقد شده و سپس، همگی با شکست مواجه شدند. تعداد فزاینده‌ای از کتاب‌ها و مقاله‌ها برای از بین رفتن نظم جهانی لیبرال، فرسایش دموکراسی و پایان قرن آمریکا، مویه کرده و ناله سردادند.

جیمز دابینز^۱، همکار ارشد در شرکت رند و معاون سابق وزیر امور خارجه آمریکا در اروپا، در این مطلب با عنوان «افول آمریکا؟ ما قبلاً اینجا بوده‌ایم^۲» - که در ۵ آگوست ۲۰۱۹ در مجله «وال استریت ژورنال^۳» منتشر شده است - برای ترمیم هژمونی آمریکا، دست به قلم شده و با اشاره به بحران و نابسامانی دهه ۶۰، معتقد است که آمریکا با اتخاذ استراتژی «موازنه از راه دور»، دوباره می‌تواند به قدرت سابقش برگردد. به نظر می‌رسد که وی، استراتژی انزوا گرایی آمریکا در زمان جنگ جهانی اول را برای این برهه از بزنگاه تاریخی نیز تجویز می‌کند.

1. James Dobbins

2. American Decline? We've Been Here Before

3. WSJ

می‌کند. نسخه‌ای که به‌طور کامل بیانگر این رویکرد باشد، نویسندگان واقع‌گرای جناح چپ و نویسندگان آزادپنجاه جناح راست هستند که خواستار خروج نیروهای آمریکایی از نقاط خارج از کشور، از جمله اروپا، شرق آسیا و خاورمیانه هستند و از استراتژی «تعادل دور از ساحل»، حمایت می‌کنند یا طرفدار اتکا به متحدان منطقه‌ای برای بررسی ظهور قدرت‌های خصمانه، به جای دفاع روبه‌جلو هستند.

در هر دو پاسخ، این عقیده نهفته است که موقعیت غالب آمریکا، در حال فرسایش بوده و نیاز است که تعهدات جهانی این کشور هرس شود. این بحث به‌ویژه در خاورمیانه، کاملاً منطقی است. تأثیر و نفوذ آمریکا دیگر به اندازه اوایل دهه ۱۹۹۰، غیرقابل چالش نیست. اکنون، زمان آن است که توهم قادر مطلق بودن و وسوسه یک‌جانبه‌گرایی ثمرات تلخ پیروزی در جنگ سرد را کنار بگذاریم. البته امروزه، توازن جهانی قدرت از آنچه در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی شاهدش بودیم، بهتر است؛ زیرا در آن زمان، آمریکا در جنگی پرهزینه، غیرقابل قبول و عدم پیروزمندی در هند و چین، خود را در آتش افکند و با اتحاد جماهیر شوروی تاندان مسلح، متخاصم و سرکوبگر-که هنوز هم متحد چین بود- روبه‌رو شد.

با وجود این، آمریکا از آن جنگ -که در آن شکست خورده بود- و از آشفتگی‌های داخلی متعاقب این شکست بهبود یافت. رئیس‌جمهور جیمی کارتر که در سال ۱۹۷۶، یعنی سال بعد از سقوط سایگون، انتخاب شد به مدت کوتاهی، از موضع خود عقب‌نشینی کرد اما تا پایان دوره ریاست جمهوری اش، صلح پایدار میان اسرائیل و مصر را به انجام رسانده، ایالات متحده را به دفاع از خلیج فارس، متعهد کرده، حمایت پنهانی از شورش ضد شوروی در افغانستان را آغاز کرده بود، حمایت اروپا را از به‌کارگیری موشک‌های هسته‌ای از بین برد و نقش حقوق بشر را در سیاست ایالات متحده، دوباره زنده کرد. در سال ۱۹۸۰، رئیس‌جمهور رونالد ریگان، انتخاب شد که صبح دوباره در آمریکا طلوع کرد. طی یک دهه آینده، وی و رئیس‌جمهور جورج ایچ. بوش، رهبری آمریکا بر جهان آزاد را تثبیت نموده، دموکراسی را گسترش دادند و مانع تجاوز شدند. در مورد کاهش تسلیحات هسته‌ای نیز مذاکره کرده و به آزادسازی اروپای شرقی، به اتحاد دوباره آلمان و پیروزی در جنگ سرد کمک نمودند. البته جایگاه جهانی آمریکا با کاهش تعهداتش، به حالت قبل بازگشت؛ اما در عوض، رهبران این کشور برویژگی‌هایی برای کشورهای آمریکا تأکید کردند که سیاست آمریکا را در سال‌های اولیه جنگ سرد،

مشخص کرده بود؛ قدرت و ثبات که با احتیاط و محدودیت هدایت می‌شوند. آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که جنگ ویتنام، یک اشتباه بود، نه نشانه سقوط دردناک و غیرقابل تحمل آمریکا. ایالات متحده آمریکا در جنگ ویتنام، متحدی نداشت و ناکامی در این جنگ، خطرهای یک‌جانبه‌گرایی و اهمیت اتحادها را مورد تأکید قرار داد. در حال حاضر، آمریکا درگیر جنگ سرد جدیدی نیست اما درس‌هایی که از تجربیات قبلی گرفته، هنوز به قوت خود باقی است؛ به‌ویژه نیاز به بازگرداندن همبستگی غربی، دستیابی به رهبری قابل اطمینان آمریکا و پایبندی بسیار به تعهدات اخلاقی. در پایان نیز باید گفت که نه چین و نه روسیه، هیچ‌کدام مسئول پس‌رفت‌های بسیار ایالات متحده در چند دهه گذشته نیستند بلکه این شکست‌ها، توسط خودشان، تحمیل شده زیرا نتیجه سیاست ناصحیح بوده است، نه تغییر قاطع در تعادل جهانی قدرت.

منبع:

این مطلب در ۵ آگوست ۲۰۱۹ در مجله «اول استریت ژورنال» منتشر شده است، لینک قابل دسترسی: This copy is for your personal, non-commercial use only. To order presentation-ready copies for distribution to your colleagues, clients or customers visit <https://www.djreprints.com>. <https://www.wsj.com/articles/american-decline-weve-been-here-before-11565045239>